

میدون و سوفیا

پسی ۲۰ تومن؟

● **بوریا عالمی:** دوست سوفیا فردا شب عروسی‌اش است و ما لباس عزا تن کرده‌ایم. چرا؟ آقا شما تصور کن ما می‌خواهیم لباس نو بخریم.
گفتش مجلسی بخورد توی سر آدم که ۷۰۰، ۸۰۰ هزار تومان قیمت دارد، کتانی هم حداقل ۲۰۰ هزار تومان است. یک مدل کفش پلاستیکی مد شده شبیه دیپایی پلاستیکی‌هایی که ما بچه بودیم و توی دستشویی می‌گذاشتند (یادتان است سوراخ‌سوراخ و جلوپاز بود؟) ۸۰ هزار تومان قیمت دارد. کفش ایرانی هم زیر صد هزار تومان نیست. طبیعی هم هست که نباشد. وقتی از اینجا تا سر خیابان بروی هزار تومان کرایه تاکسی می‌شود یا اتوبوس ۵۰۰ تومان بگیرد، طبیعی است که کفش صد هزار تومان باشد. این از کفش. لباس مراندن چی؟ لباس خارجی که میلیونی شده. قدیم میلیونر کسی بود که خانه و ماشین داشت، الان طرف پول کت‌وشلوارش دو میلیون تومان است. به جان میدون دوم، توی بازار جوراب هست ۷۰ هزار تومان. شورت آمده ۹۰ هزار تومان. ۹۰ هزار تومان؟ ما بچه بودیم-با ۹۰ هزار تومان کل خاندانمان لباس می‌پوشیدند. الان کل لباس خاندان ما اندازه شورت خارجی است. آدم این درد را به که بگوید؟ بعد هم اصلا شما جای ما. وقتی لباس زیر را ۹۰ هزار تومان پول بدهی، دلت می‌آید آن را زیر بپوشی؟ بعید نیست- با این قیمت‌ها - آدم لباس زیر را روی شلوارش بپوشد. این‌همه پول بدهی و دیده نشود؟ کل پایه‌حقوق ملت ۹۰۰ هزار تومان است؛ یعنی یک‌نهم حقوقشان را باید تبدیل به احسن کنند؟

لباس زنانه چی؟ اصلا من معتقد به برابری حقوق زن و مرد هستم. قبول؟ اما خدوایکی یک‌لا پیراهن ۸۰۰ هزار تومان؟ کیلویی هم حساب کنی، لباس زنانه نهایتاً باید بشود ۱۵ هزارتومان. اصلا لباس زنانه هیچی. مانتو چی؟ این مانتو پوشش است؟ و این پوشش محدودیت نیست، مصونیت است؟ کی گفته؟ پارچه چادر متری دو میلیون تومان؟ مانتو یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان؟ ما داریم به کجا می‌رسیم؟ ولله ما فرق این مانتوهای چندصدهزارتومانی را با پیشبند آشپزخانه نمی‌دانیم. روی چه حسابی یک میلیون و ۵۰۰ لاقل دوتا دکمه یا زیپ داشت فکر می‌کردیم خدای وقت گذاشته. اصلا شما بگو لباس نو نخر. چهارتا لباس ما هفته پیش دادیم خشکشویی، شد ۶۰ هزار تومان. گفتم داداش شستی یا دوختی برامون؟ اصلا توی تشت هم می‌انداختی و لباس‌ها را چنگ می‌زدی، چکی چند حساب کردی شد ۶۰ هزار تومان؟

ادکلن چی؟ ولله شما بروید ادکلن و عطر بخرید به پول الان پسی ۲۰ هزار تومان می‌افتد. خود ما تا کسی نخواهد بوسمان کند پیس خرج نمی‌کنیم. میهمانی و جلسه هم می‌روییم، پشت در می‌زیم که تا رفتیم تو، همه متوجه شوند. والا شما می‌گویید ادکلن خارجی گران شده، داخلی مصرف کن. به جان میدون دوم، هفته پیش رفتم مراسم ختم، طرف گلاب‌پاش را گرفت بریزد کف دستمان، بیشتر جای گلاب شبیه این بود که توی پارچ آب، تی که گل‌مجمدی انداخته باشند. یعنی کار را به جایی کشاندانه که با لباس زیر بیایی بیرون و جریمه شوی، کمتر از قیمت لباس برایت می‌افتد.

● **دیمترویس:** وسط شما کلاهتان را قاضی کنید؛ عروسی ملت، مجلس عزای آدم نمی‌شود؟ با احترام؛ میدون دوم

پرنده آبی

برنامه‌های جنسیت‌زده تلویزیون

● نگاه ابزاری به زنان در بسیاری از گزارش‌ها و تحلیل‌ها و اظهارنظرها در تلویزیون کلا مشهود بود و البته مورد اعتراض هم قرار گرفته است. یکی از نقطه‌های اوج همه در برنامه خندوانه رامبد جوان بود؛ هنگامی که دربارۀ ترس این زنان قهرمان از «سوک» پرسیده شد. یکی از کانال‌های تلگرامی مورد دوم را زمانی می‌داند که جناب‌خان، عروسک این برنامه، گفت که زنان ورزشکار بازی را دوساعت دیرتر شروع می‌کنند، به دلیل طول‌کشیدن آماده‌شدن زنان و مهم‌بودن «چی‌پوشیدن» برای زنان. به‌تازگی هم نشستی برگزار شد که در آن، برنامه دورهمی، ساخته و اجرای مهران مدیری را جنسیت‌زده دانست. اعظم راوردار در نشست «بازنمایی جنسیت در برنامه‌های سیمای ملی با تأکید بر برنامه «دورهمی» گفت: «مهران مدیری به‌عنوان یک هنرمند، شخصی خلاق است و بحث ما اینجا بحث ارزشیابی توان هنری او نیست، بلکه هدف ما پرداختن به مسائل اجتماعی لایه‌لای آن آاز باید باشد. معمولاً رسانه‌ها کمتر پیش می‌آید که باورهای موجود را به چالش بکشند و این چندان عجیب نیست. در همه این برنامه‌ها تا امروز که برنامه دورهمی مدنظر تحلیل ماست، همچنان غلبه زن سنتی را می‌بینیم، همسرا با اغراق‌هایی که به طنز برمی‌گردد. البته او، هم زن و هم مرد را هجو می‌کند، اما بحث این است که در عین این هجوسازی، کلیشه‌های مسلط جنسیتی را همچنان پررنگ می‌بینیم و موقعیت مسلط مردانه که در برنامه دورهمی به صورت آشکار و نهان، حمایت می‌شود؛ مثلاً مهران مدیری از واژه زن‌دلیلی زیاد در برنامه‌هایش استفاده می‌کند». در شبکه‌های اجتماعی کاربران علاقه‌مند و حساس با دو هشتک #کلیشه‌های_جنسیتی و #جنسیت‌زدگی_گفتمان درباره مسائل مختلف زنان و کلیشه‌هایش اظهارنظر می‌کنند. هرچند برخی اظهارنظر‌ها هم کاملاً از فضای زنان ایرانی مسلمان به‌دور است و می‌توان از کنارش پهراحتی گذشت.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۷
۶ رمضان ۱۴۳۹
۲۲ می ۲۰۱۸
سال پانزدهم
شماره ۳۱۵۴
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱
اذان مغرب ۲۰:۲۸
اذان صبح‌فردا ۴:۱۳
طلوع آفتاب ۵:۵۴

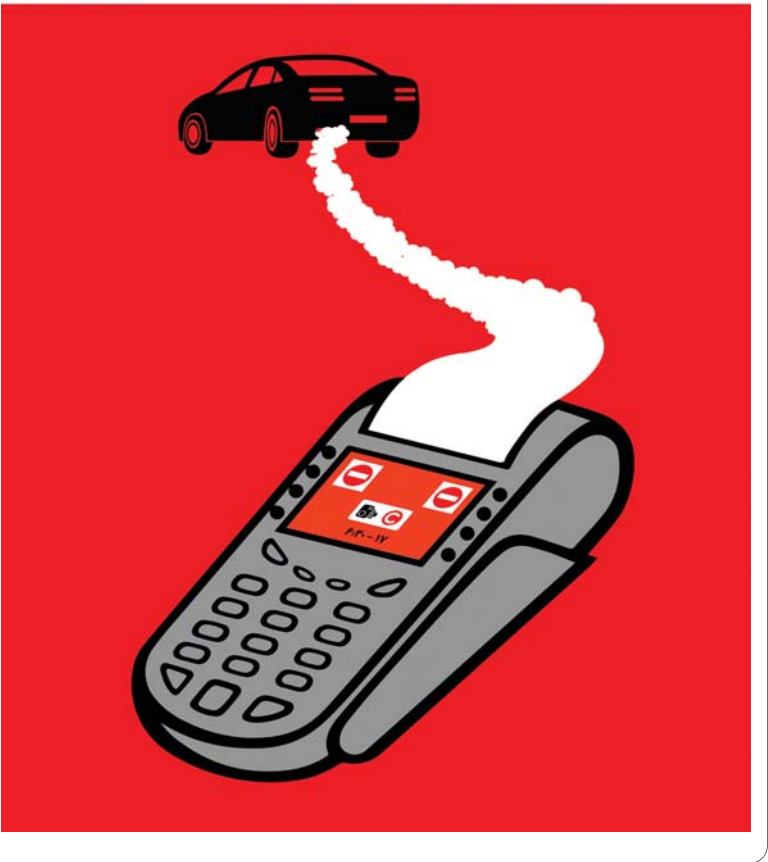
روزنارضا

کار تون خواب

● **علی رومانی**

aliromani84@gmail.com

بازار سیاه خرید و فروش طرح ترافیک در تهران



تجربه دیگران

وقتی نوجوانان خشمگین هستند

ترجمه: ساسان گلفر

می‌رود و اگر در پنج تا ۱۰ سال آینده در این وضعیت (تغییرات اقلیمی) تغییری حاصل نشود، دیگر هیچ چیز مهم نیست». وی می‌گوید با اینکه دبیرستان را به پایان خواهد رساند، اما فعالیت برای حفظ محیط زیست را مهم‌ترین کار برای خود می‌داند. «درحال‌حاضر خودم و ۲۰ بچه دیگر برای نقض حقوقمان در قانون اساسی از دولت ترامپ به علت عدم اقدام در مورد تغییرات آب‌وهوایی به دستگاه قضائی شکایت کرده‌ایم. در ابتدا چند سال پیش علیه دولت اوباما اقدام کردیم. دولت ایالات متحده با آنکه می‌داند صنعت متکی به سوخت فسیلی تأثیر منفی در آب‌وهوای ما برجا می‌گذارد، یارانه‌ها و زمین برای اکتشاف در اختیار این صنعت می‌گذارد. ظاهراً شکایت این نوجوانان در ماه اکتبر (مهر) در دادگاه مطرح خواهد شد. این فعال محیط زیست حتی در ۱۵ سالگی در صحن سازمان ملل سخنرانی کرده است. «شگفت‌زده شدم از اینکه برخورد نمایندگان سازمان ملل چقدر غیرمحترمانه، گستاخه و عقیم بود. نمایندگان با گوشی‌های موبایل خود ور می‌رفتند، گوش نمی‌دادند».

افرادى است که دیدگاهش در این مقاله منعکس شده. او از مبارزه علیه فقر سخن به میان آورده و اشاره به گزارشى که اخیراً در مورد حضور پیدانکردن دختران به علت فقر مفرط و عدم امکان برآوردن اولین نیازها منتشر شده، نوشته است: «احساس می‌کنم دولت درباره این مسائل مثل کیک سر به زیر برف کرده و لازم است ما آنها را وادار کنیم که کاری انجام دهند». وی سپس به تلاش‌های خودش برای درمان‌گذاشتن این مشکل با بزرگ‌تراها و مقامات بالاتر اشاره کرده و افزوده است که در راه رفع مشکلات خاص دختران از حمایت پدرش، حتی در «راهپیمایی زنان» برخوردار بوده، اما مادرش نگران آن است که به درس و تحصیل او لطمه وارد شود. خوستسکاتل مارتینس، دختر ۱۷ ساله مکزیک‌ای تبار و فعال محیط زیست و تغییرات آب‌وهوایی از کلرادوی آمریکا، یکی دیگر از افرادی که نظرش در این مقاله آمده، نوشته است: «اگر کسی به من بگوید که الان جای من فقط در مدرسه است، متوجه می‌شوم که او تصویر بزرگ‌تری را نمی‌بیند. توانایی زمین برای تأمین زندگی انسان دارد از بین

به موجب قانون تقسیمات کشوری، استان واحدی از تقسیمات کشوری است با محدوده جغرافیایی معین که از به‌هم‌پیوستن چند شهرستان هم‌جوار با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می‌شود. وزارت کشور می‌تواند بنا به ضرورت با تصویب هیئت وزیران با جداکردن و الحاق روستاها، بخش‌ها یا شهرستان‌های مجاور، استان‌ها را تعدیل نماید. اگر ایجاد استان جدید لازم باشد، این اقدام نیاز به تصویب قانون در مجلس دارد. استان جدید باید لاقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد.

با توجه به قید لزوم رعایت موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی

بهمن کشاورز



برای تقسیمات کشوری به آسانی می‌توان فهمید که این تقسیم‌ها دارای اهمیت و موضوعیت ویژه است و دست‌بردن در تقسیمات می‌تواند خطرناک باشد.

در شرایط فعلی، هر استان از چند شهرستان، هر شهرستان از چند بخش و هر بخش از چند دهستان تشکیل می‌شود. فعلاً ۳۱ استان، ۴۲۹ شهرستان، ۵۷ بخش و دو هزارو ۵۸۹ دهستان داریم و تقسیمات کشوری از روزگار گذشته تاکنون با تفاوت اسمی وجود داشته است. این مسئله که مرکز استان چه شهری باید باشد و مطالبی از این قبیل همواره مطرح بوده و حتی به ساختن لطیفه‌ها و داستان‌هایی هم منجر شده است، مانند رقابت بابل و ساری بر سر مرکزیت استان مازندران یا رقابت بروجرد و خرم‌آباد برای مرکزیت استان لرستان. اما نکته مهم این است که تا این زمان بین شهرستان‌های هر استان و ساکنین آن و استان‌های کشور و باشندگان آن همواره حسن تفاهم و برادری و یکپارچگی وجود داشته و در طی

سلام به فردا

اخطار آلودگی به ۶ کشور اروپایی! نوبت ایران کی می‌رسد؟



محمد درویش

● هفته گذشته بریتانیا و پنج کشور دیگر به دلیل عدم رسیدگی به مقابله با سطح غیرقانونی آلودگی هوا به دادگاه عالی اتحادیه اروپا خوانده شدند. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا این قدرت را دارد تا اگر آنها با سرعت به حل این مشکل نپردازند، جرانیمی چندمیلیون‌یورویی به این کشورها تحمیل کند. به کشورهای نام‌برده- بریتانیا، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایتالیا و رومانی- در ماه ژانویه گذشته یک اخطار نهایی اعلام شده بود. نتیجه هوای سمی، مرگ زودرس سالانه دست‌کم ۴۰۰ هزار نفر در کشورهای عضو اتحادیه اروپاست.

سطح دی‌اکسیدنیتروژن، بیش از همه منتشرشده از خودروهای دیزل، از سال ۲۰۱۰ در بسیاری از نقاط شهری بریتانیا بالاتر از حد قانونی است. آخرین برنامه دولت در سال ۲۰۱۷ از جانب مسئولان شهری «به طرز غم‌انگیزی نامناسب» و تا آخر سال ۲۰۱۸ فرصت دارند تا مقیاس‌های سخت‌گیرانه‌تری را مقرر کنند. یکی از گام‌های کلیدی در این راه برقراری محدوده‌های هوای پاک است که موجب می‌شود تا خودروها با پرداخت هزینه آلودگی از مراکز شهر دور نگه داشته شوند. طبق تحقیقات دولت، این روش در مقایسه، از مؤثرترین راه‌ها برای مبارزه با آلودگی هوا به‌شمار می‌رود، اما وزرا تاکنون از اجباری کردن این روش خودداری کرده‌اند. یکی از نمایندگان مجلس از حزب سبز، Keith Taylor، می‌گوید: «کمیسون اتحادیه ناچار است تا علیه بریتانیا از راه قانونی اقدام کند، زیرا این دولت به‌طور مداوم در برابر بحران سلامت عمومی که با مرگ زودرس ۵۰ هزار شهروند بریتانیایی در ارتباط است، قاطعانه بی‌تفاوت مانده است». خواننده عزیز روزنامه وزین «شرق»!

اگر در بریتانیا سالی ۵۰ هزار نفر در اثر آلودگی هوا دچار مرگ زودرس می‌شوند، چگونه ممکن تکلی، پسر ۱۸ ساله اریتره‌ای‌تبار از لندن، سوختی بی‌کیفیت‌تر و خودروهایی عقب‌مانده‌تر برخوردار بوده و زیرساخت‌های حمل‌ونقل پاکش قابل‌مقایسه با بریتانیا نیست، رسماً اعلام شود که فقط ۳۵ هزار نفر در سال تلفات آلودگی هواست؟! چرا مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اعلام نمی‌کنند، اما تا بلکه مسئولان جامعه واقعاً به فکر چاره‌ای اساسی افتاده و با نفی خودرومحوری، بسترهای لازم برای زیست‌محوری در مبلغان شهری را فراهم کنند.

سکوت پس است، اقدام کنید: کلی لارکسن، خواننده آمریکایی که یکشنبه‌شب مجری بیست‌وپنجمین دوره مراسم اهدای جوایز موسیقی بیلبورود بود، خواستار اقدام فوری برای پایان‌دادن مقاله کارشناسی در مدارس آمریکا شد. او این مراسم را با یک سخنرانی پراحساس درباره تیراندازی اخیر در دبیرستانی در سانتافه تگزاس که به کشته‌شدن ۱۰ نفر از معلمان و دانش‌آموزان و مجروح‌شدن بیش از ۱۰ نفر دیگر منجر شد، آغاز کرد. لارکسن که تلاش می‌کرد کلمات را پیدا کند،

یادداشت

لزوم اهداف درازمدت‌تر از تغییر جزئی تقسیمات کشوری

تاریخ در بزنگاه‌های مختلف، مشخص و ثابت شده است که این تقسیمات با تفاوت گویش‌ها و لهجه‌ها و لباس‌های محلی به‌هیچ‌وجه باعث جدایی و بیگانگی اقوام ایرانی با هم نشده است.

بنابراین به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در مورد جداکردن قسمت‌هایی از یک شهرستان و تأسیس شهرستان جدید امری بسیار خطریر است که نباید سرسری گرفته شود، زیرا موقعیت‌هایی که در آغاز سخن برشمردیم و برای تأسیس یک استان باید رعایت باشد، چیزی نیست که به سادگی قابل ارزیابی باشد، به‌ویژه با توجه به اینکه ممکن است در بعضی موارد کسانی از کج‌سلیقگی‌ها و شتابزدگی‌ها و سایر ضعف‌های مقامات، سوءاستفاده کنند و در دوران حساس کنونی اهداف کلان‌تر و درازمدت‌تری از صرفاً تغییر جزئی تقسیمات کشوری را دنبال کنند.

به‌رحال به‌نظر می‌رسد فعلاً آن‌قدر «سمن» داریم که پرداختن به «یاسمن» تغییر تقسیمات کشوری قابل‌قبول و توجیه‌پذیر نیست، والله اعلم.

یک پنجره

ما و آزادی وجدان

اولین‌بار که با عبارت آزادی وجدان برخورد کردم، در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ بود. فکر کردم انسان با وجدان آزاد آفریده شده، مگر می‌شود وجدان کسی را در بند کرد؟ وجدان، به نیروی درونی هر فرد که خوب و بد کردار را به وسیله آن ادراک می‌کند، گفته می‌شود. این تعریف به تعریف ماتریالیست‌ها بسیار نزدیک است، درحالی‌که خداواران معمولاً

وجدان را صدای خدا در درون انسان دانسته‌اند (مسیح، گاندی و لوتر). درواقع می‌توان گفت وجدان، توانایی شنیدن صدای حقیقت، انسانیت و منطق است. به اصول اخلاقی وابسته نیست و متعلق به یک جامعه دینی یا حتی مرتبط به باور به خدا نیست. وجدان سالم می‌تواند تغییر کند تا فهم بهتری از جهان اطراف داشته باشد. در یک موضوع واحد، ممکن است دو نفر به نتایج متفاوتی برسند، درحالی‌که هر دو از وجدانشان استفاده می‌کنند. حالا این وجدان، با هر تعریفی، تا وقتی که نمود یا تجلی خارجی نداشته باشد، آزادبودن یا نبودنش معنا نمی‌یابد. این آزادی وجدان کجا خودش را نشان می‌دهد؟ به برخی از نمونه‌های موجود آزادی وجدان در جهان اشاره می‌کنیم.

الف) هر فردی حق دارد بنابر قاعده خودداری به‌خطر وجدان درباره خدمت زیر پرچم از خدمت نظامی، مسلحانه، حمل سلاح، اعمال خشونت و حضور در مراکز نظامی عملیاتی به دلایل فلسفی، مذهبی یا عقاید سیاسی سر باز بزند. در این موارد، معمولاً فرد یادشده به‌جای خدمت نظامی، خدمت ملی خود را در یک نهاد غیرمسلح یا یک نهاد مدنی متصدی یک امر متضمن منافع عمومی (خدمت عمومی) انجام خواهد داد (قانون قبلی فرانسه).

درواقع، برجسته‌ترین حق که علیه خشونت نهادینه شده و به جنگ، سمت‌وسو گرفته مربوط به مخالفت آگاهانه با خدمت نظام است. عموماً این حق به‌عنوان مظهر و تجلی آزادی عقیده و وجدان مطرح می‌شود. نمونه دیگر، مورد مربوط به جوان اسرائیلی^۲ است که از رفتن به سربازی ترمد کرد. او با اشغال سرزمین فلسطینی‌ها مخالف و معتقد بود که رفتن به خدمت سربازی هرچند منجر به جنگ با فلسطینی‌ها نشود، به معنای تأیید ادامه اشغال است. به همین دلیل از رفتن به سربازی خودداری کرد و به همین دلیل ۱۰ بار بازداشت شد و ۱۷۷ روز در زندان ماند تا نهایتاً دادگاه با استناد به اصل آزادی وجدان عذر او را برای نرفتن به خدمت نظام پذیرفت.

ب) آزادی وجدان می‌تواند باعث به‌وجودآمدن یک مذهب جدید شود، چنانچه مارتین لوتر توانست مذهب پروتستان را پایه‌گذاری کند. او مدت‌ها از آنچه تعلیمات کاتولیک بود رنج می‌برد، صبر کرد و بعد از اینکه جایگاه مناسب اجتماعی و قابل‌قبولی پیدا کرد، نسخه اصلاح‌شده‌ای از مسیحیت را ارائه کرد. وجدان مربوط به افراد است، اما گاهی با مفهوم وجدان جمعی یا وجدان بشری مواجه می‌شویم. گاهی بیداری یک وجدان منجر به بیداری وجدان جمعی می‌شود، در تقابل با آنچه قبلاً متعارف و عادلانه به نظر می‌رسد، قد علم می‌کند و تغییر عمده‌ای در وضعیت حقوقی جامعه به وجود می‌آورد.

۱) گاندی در جنبش نافرمانی مدنی، مصداق ندای وجدان بیداری بود که علیه استعمار انگلیس به‌پا خاست. او تنها صدا نبود، اما تا وقتی که او به‌طور علنی به این استعمار اعتراض نکرد، بقیه جرئت و جسارت مخالفت پیدا نکردند. بعد از اعلام مخالفت او بود که پشت‌سر او حرکت کردند و نظام حقوقی کشور را عوض کردند.

۲) حرکت تلسون منادلا در پاسخ به ندای وجدانش برای براندازی نظام آپارتاید به بیداری وجدان جمعی تبدیل شد که نظام ژادپرستی را از آن کشور برافکند. وجدان جمعی به آینده هم با ملحظات سلامت نگام می‌کند. برایش مهم است که بر اثر تغییرات آب‌وهوایی چه بر سر «زمین» می‌آید و نمی‌گوید من که الان هستم و زندگی می‌کنم، مشکل نسل آینده به من ربطی ندارد، بلکه در نوع زندگی‌کردن، تولید و مصرف‌کردنش «نسل آینده» را در نظر می‌گیرد.

ج) خودداری از سقط جنین (در کشورهای که سقط جنین آزاد است) اگر پزشکی بنا بر اعتقادات شخصی خود از سقط‌کردن جنین خودداری کند، مطابق با اصل آزادی وجدان نمی‌توان او را مجبور به انجام این کار کرد. نمونه دیگر از استناد به آزادی وجدان: در ایالت کیک قانونی وضع شده بود که در زندان به زندانیانی که پیرو مذاهبی بودند که از آنها خوردن گوشت ممنوع و گناه محسوب می‌شد، غذاهای گیاهی داده شود، اما در آنجا یک زندانی اروپایی هم بود که با وجود اینکه مذهبش او را از خوردن گوشت منع نمی‌کرد، اما او تمایل به خوردن گوشت حیوانات نداشت و از زندانبان‌ها بارها خواسته بود که به او هم غذای گیاهی بدهند، اما آنها قبول نکرده بودند. آن زندانی از این موضوع به دادگاه شکایت کرد و بنا بر اصل آزادی وجدان رای به نفع زندانی داده شد.

د) Whistle blower کسی که خطاکاری یا خطاکاران را لو می‌دهد، افشاکنندگان:

این افراد کسانی هستند که به وجود یک فساد مالی یا اداری یا اخلاقی در یک سازمان می‌برند و نمی‌توانند در برابر ندای وجدانشان بی‌تفاوت بمانند و به مراجع قضائی مراجعه و جریان فساد را افشا می‌کنند. این افراد غالباً کارشان را از دست می‌دهند و ادارات و سازمان‌های دیگر هم تمایلی به استفاده چنین کارمندی ندارند. در قوانین بعضی از کشورها مانند استرالیا، کانادا، جامائیکا، هند، ایرلند، هلند، سوئد، انگلیس، آمریکا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، غنا، کره جنوبی و اوگاندا از این افراد حمایت شده است.

دادگاه حقوق بشر اروپایی نیز در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان آزادی بیان از این افراد حمایت کرده است.

۱- ما وجدانمان چه کرده‌ایم؟ در بند کرده‌ایم یا گذاشته‌ایم نفس بکشد و اعلام وجود کند؟

ما ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب بهره‌مند گردد، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز آزادی اظهار مذهب با باور به شکل آموزش، عمل به شعار، نیایش و به‌جای‌آوردن آیین‌ها چه به تنهایی و چه به‌صورت جمعی نیز می‌گردد». ۲- Ureil Ferrera جوان آرژانتینی (اصلی بود که در شش‌سالگی والدینش به اسرائیل مهاجرت کرده بودند)، سکوت حالم به‌هم می‌خورد. سکوت فایده ندارد. چرا باید سکوت کنیم؟ چرا اقدام نمی‌کنیم؟ چرا اقدامی برای تغییر انجام نمی‌دهیم؟ چرا سعی نمی‌کنیم روند این اتفاقات وحشتناک را تغییر دهیم؟ باید مادها و پدرها بتوانند بچه‌های خود را بدون ترس و لرز به مدرسه، کلیسا، سینما، باشگاه و... بفرستند. باید بتوانیم بدون این قبیل ترس‌ها زندگی کنیم». البته لارکسن که تاکنون برنده سه جایزه موسیقی گرمی شده است، در این سخنرانی به‌طور خاص به قوانین سلح یا کنترل اسلحه اشاره نکرد.

بالاخره با این جملات شروع کرد: «قبل از شروع نمایش امشب، چیزی که می‌خواهم بگویم -خیلی دردناک است- درباره تراژدی سالتافه است. من اصل تگزاس هستم و ایالت من در سال گذشته دلهره‌های زیادی را تحمل کرده است». بار دیگر در سوگ بچه‌هایی نشته‌ایم که بی‌هیچ دلیل از دنیا رفته‌اند». خواننده با چشمان گریان ادامه داد: «بدیهی است می‌خواهیم برای قربانیان و خانواده‌هایشان دعا کنیم، امشب از من خواسته‌اند یک دقیقه سکوت اعلام کنم؛ اما من از این لحظه‌های